

بچه های مسی

۵۰

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه شوال (خرداد ۱۳۹۹)



«بسم الله الرحمن الرحيم» فهرست مطالب

۸ مولود موعود	۶ پیامک های شما	۳ مقدمه
		
۲۷ پشت جلد	۲۶ بند بند خانواده	۱۴ کتاب قصه
		

رده بندی دیوئی: ۲۹۷/۰۵

سردبیر: محمد محمدی

صفحه آرا: محمد محمدی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: الکترونیک:

عنوان: بچه های مسجد

پدید آور: واحد آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

انتشارات: انتظار مهر ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۵۰۵۵۶۷



بچه های عزیز مسجدی، سلام؛

شاید در این دوران قرنطینه نتوانستید به مسجد بروید و دلتون حسابی برای مسجد و نماز جماعتش و البته نشریه بچه های مسجد تنگ شده.

شما فرزندان عزیز می توانید فعلا نشریه بچه های مسجد رو در فضای مجازی دنبال کنید تا شرایط برای چاپ مجدد نشریه مثل گذشته فراهم بشه و شور و نشاط حضور شما بچه های خوب فضای مسجد رو پُر کنه. در سایت امور مساجد منتظر تون هستیم.

www.masjedkh.ir

بچه های عزیزم، فطرات، پیشنهادات و انتقادات خود را برای ما پیامک کنید:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳



بچه های خوب مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام، شهرستان
مه ولات. ارسالی از آقای مرادی.

تصاویر بچه های مسجد خود را برای
ما بفرستید: پیام رسان سروش:
[@masjed_k_h](https://t.me/masjed_k_h)

تصاویر شما



بچه های خوب مسجد امام رضا (ع) روستای قوژد کاشمر.
ارسالی از آقای طاهری نیا.



بچه های خوب مسجد قائم المهدی (ع) جاهدشهر.
ارسالی از آقای سجاد پور فائز.

پیامک های

جای ما پیامک بفرستید

با سلام.

من حمیدرضا تنها هستم
از کاشمر.

من از آنهایی که در
ساخت این نشریه کمک
کردند ممنونم.



سلام، با تشکر از مجله خوب و
آموزنده تان، من از بچه های
مسجد جامع روستای ارکان
شهرستان بجنورد بزرگترین
مسجد جامع روستایی کشور
هستم. اسم من محدثه خانی
است. خواهشا پیامک من را
چاپ کنید.

سلام

ممنون بابت مجله های
خوبتون.

ستاره مهدویفر هستم از
مشکان.



حکیمه خاتون می فرماید: نزدیک غروب بود، امام حسن عسکری علیه السلام کسی را نزد من فرستاد و از من برای افطار دعوت فرمود. کارهایم را رها کردم و به خانه حضرت رفتم و از علت این دعوت سؤال کردم؟ به من فرمود: عمه جان! امشب پیش ما افطار کن که امشب خدای تبارک و تعالی حجت خود را به دنیا خواهد آورد.

پرسیدم: مادرش کیست؟ فرمود: نرجس.

گفتم: خداوند مرا فدای شما کند، من کوچکترین اثر و نشانه‌ای از بارداری در او نمی‌بینم!! حضرت فرمود: همان است که گفتم.

حکیمه خاتون می گوید: وارد اتاق شدم، سلام کردم و نشستم. نرجس خاتون سلام را جواب داد. گفتم: دخترم! خداوند امشب به تو پسری عطا می‌کند که سرور و آقای هر دو جهان خواهد بود.

چند ساعت بعد در کمال شگفتی کودک به دنیا آمد. پس از تولد کودک، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: عمه جان! پسر من را نزد من بیاور.

آن کودک زیبا را به محضر امام حسن عسکری علیه السلام بردم.

امام فرزند خود را بغل کرد و او را بر سینه چسبانید و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه خواند...

سپس فرمود: پسر من! سخن بگو، حرف بزن! بی درنگ حجت خدا که لحظاتی از تولدش می‌گذشت سخن آغاز کرد:

به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت داد و بعد به امیرمؤمنان و یکایک امامان علیهم السلام سلام و صلوات فرستاد تا به پدر بزرگوارش رسید، به او هم سلام گفته، دیگر ساکت شد.

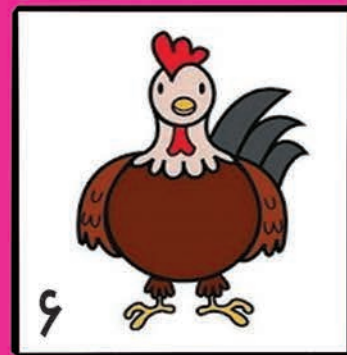
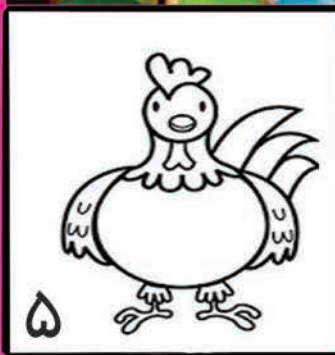
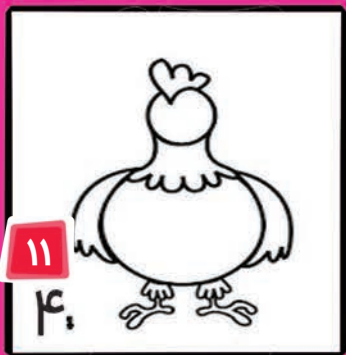
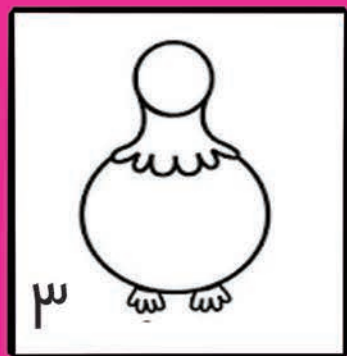
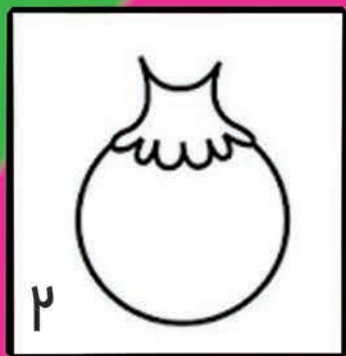
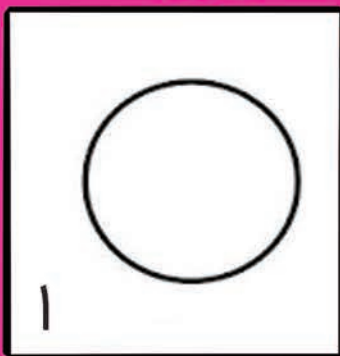
آنگاه امام حسن عسکری علیه السلام به من (حکیمه خاتون) فرمود: عمه جان! او را پیش مادرش ببر، پس او را نزد مادرش بردم و من اولین کسی بودم که حضرت مهدی علیه السلام را پس از تولد زیارت کردم.



زنگ رنگ آمیزی



زنگ طراحی



دانشمند کوچولو

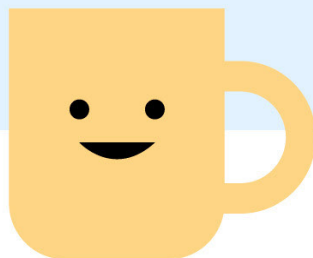
من امین هستم. کلاس چهارم دبستان. من دوست دارم در آینده یک دانشمند بشوم و شخص مهمی برای کشورم باشم.

من همیشه از آرزوهای بزرگم با پدرم صحبت می‌کنم و پدرم مرا راهنمایی می‌کند.

پدرم می‌گوید انسان‌های بزرگ از کودکی اهل تلاش و پشتکار بودند. آنها از شکست‌ها ناامید نمی‌شدند و آنقدر تلاش می‌کردند تا به موفقیت برسند.

پدرم می‌گوید یکی دیگر از خصلت‌های دانشمندان این بوده که همیشه اهل سوال بودند و از کنار هر پدیده‌ای به راحتی نمی‌گذشتند. آنها به همه چیز دقت زیادی داشتند. دقتی که مردم عادی ندارند.

آن وقت هر موقع سوالی هم برایشان پیش می‌آمده به دنبال جوابش می‌گشتند و



تحقیق می کردند.

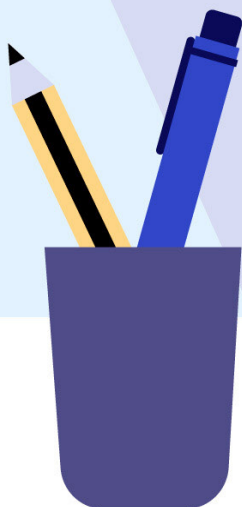
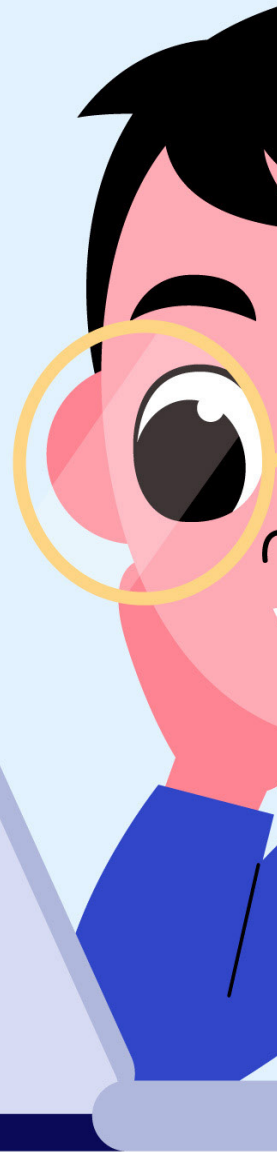
من هم خیلی تحقیق و جستجو را دوست دارم. هر وقت سوالی برایم پیش می آید از هرکسی که فکر کنم می تواند کمک کند می پرسم. مثلاً از والدینم، معلمانم، و حتی دوستانم. بعد به کتابخانه ی مدرسه می روم و در کتاب ها دنبال جوابم میگردم. گاهی با اجازه و در حضور پدرم از اینترنت و فضای مجازی هم استفاده می کنم تا تحقیقاتم کامل شود.

راستش را بخواهید من عاشق مطالعه و تحقیق هستم و دوست دارم خیلی چیزها را کشف کنم.

امیدوارم بتوانم در آینده اکتشافات و اختراعاتی بکنم تا مردم سرزمینم خوشحال بشوند و از همه مهمتر خدا را خوشحال کنم.

بچه ها شما هم اهل تحقیق و جستجو هستید؟

پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳



شعر «کتاب قصه»

یک روز در اتاقم
تنها نشسته بودم

بی حال و کم حوصله
غمگین و خسته بودم

برادرم به من داد
چند کتاب قصه

گفت بخوان ای خواهر
دوری بکن ز غصه

من آن کتابها را
خوشحال و شاد خواندم

با قصه غصه ها را
از قلب خویش راندم

شد باز در به رویم
درهای روشنایی

می یافتم از آن پس
رفیق آشنایی

بچه ها، نظر شما در مورد کتاب
چیه؟

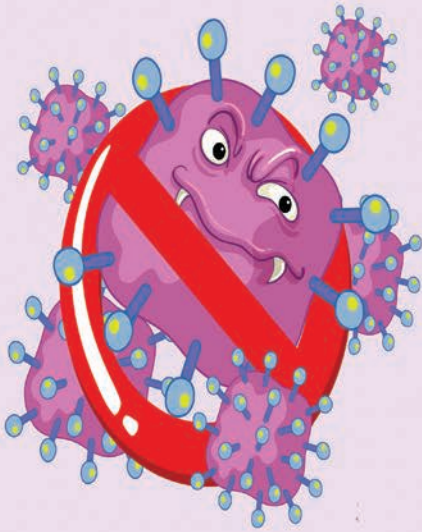
سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳



دافستنی های لازم درباره بیماری کرونا

علائم بیماری کرونا چیست؟



راه های پیشگیری



۱۵

ماسک



شستن دست



دوری از بیماران



مراجعه به پزشک

به بابا و مامان بگوئید:

۱- سعی کنید در طول روز از نور خورشید استفاده کنید. می‌تونید پرده‌ها را کنار بکشید و اجازه بدید نور بیاد توی خونه.

۲- لامپ‌های قدیمی را عوض کنید. لامپ‌های قدیمی بیشتر انرژی خودشون رو به جای تولید نور به صورت گرما می‌سوزونند.

۳- استفاده از لامپ‌های توی حیاط رو به حداقل برسانید.

۴- وسایل برقی غیر ضروری توی خونه رو خاموش کنید .

۵- کانال کشی کولرها را از کوتاهترین مسیر انجام بدید تا انرژی کمتری هدر بره.

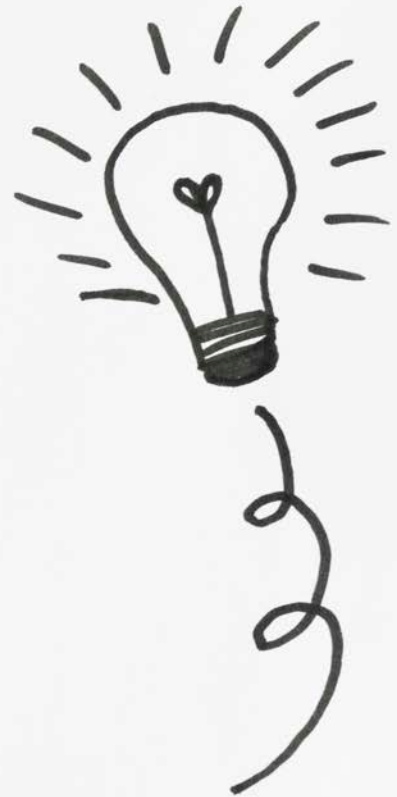
۶- هر سال پوشال‌های کولر باید عوض بشن و حتما پیش از شروع فصل گرما کولرها باید سرویس بشن.

۷- نصب سایبان بر روی کولرها در پشت بام‌ها در صرفه جویی انرژی موثر است.

۸- از روشن نگه داشتن دائم کولر باید خودداری کرد.

۹- حتی الامکان دریچه فضاهایی که مورد نیاز نیستند رو مسدود کنید، با این کار زمان استفاده از کولر کاهش پیدا می‌کنه.

۱۰- دقت کنید ماشین لباس شویی رو در هر بار که دستگاه را روشن می‌کنید، کاملاً پر باشد.

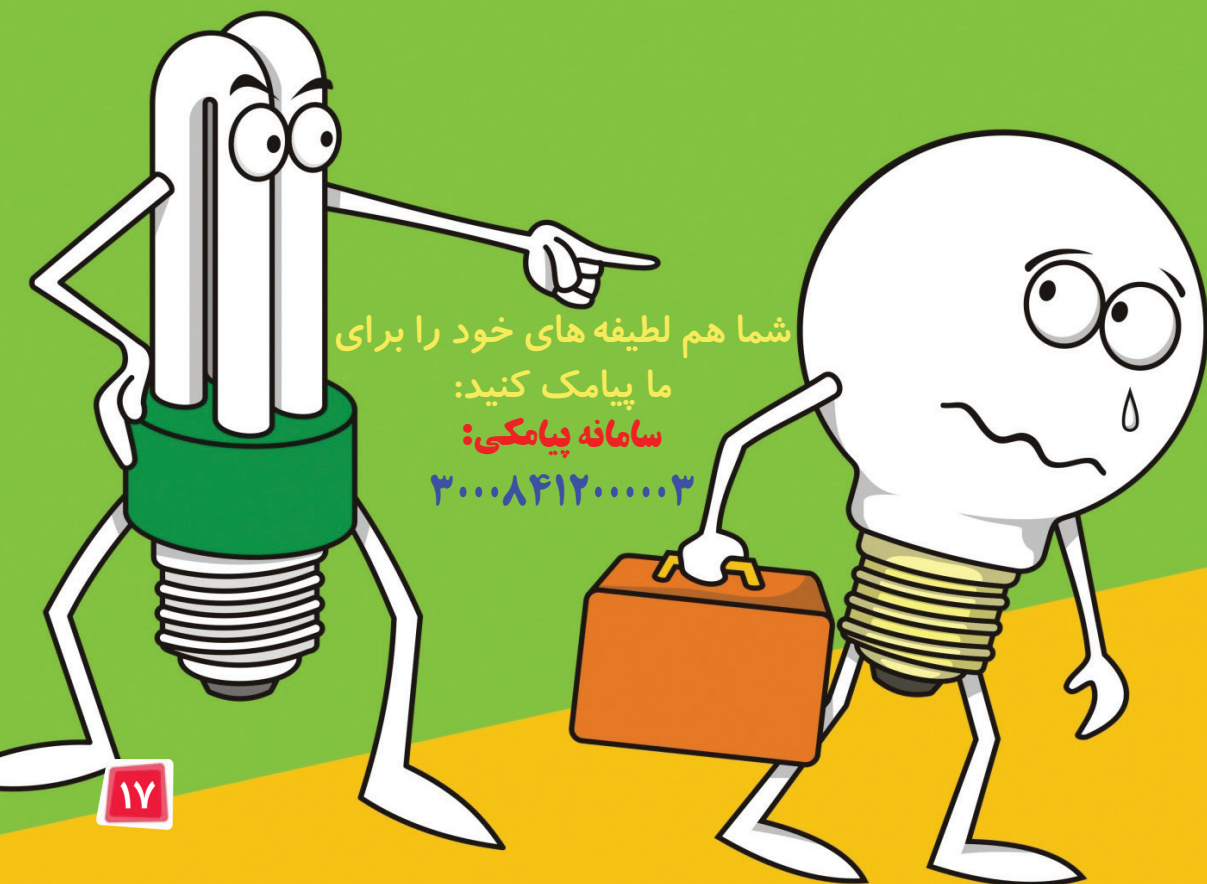


****یارو برق خونشون میره قابلمه بر می داره، میره در خونه همسایش میگه یک کم برق به ما قرض می دیدی؟ همسایش بهش میگه اینجوریه که هی براتون جوک درست می کنن، اقلا برو یه قابلمه پلاستیکی بیار برق نگیرد!**

****هیچ وقت نفهمیدم: وقتی برق میره کجا میره؟؟**

****تو یه ساعت ۳ بار برق رفته، چند دقیقه بعد دوباره اومده فک کنم دیدن تو مصرف برق صرفه جویی نمی کنیم، می خوان با این کار وسایل برقیمون رو بسوزونن!**

****به یارو میگن قبض برقتو چه جوری پرداخت می کنی؟
میگه همسایه مون خنگه، می ذارم زیر برف پاک کن ماشینش می ره پرداخت می کنه!**



آیا می دانید:

پیرترین لاکپشت دنیا ۲۵۰ سال
عمر کرده؟

لاکپشت حیوانی است که
می تواند برای مدت طولانی
غذا نخورد و بسیار کم مریض
می شود و عمر طولانی دارد.

لاکپشت ها به چند
دسته ی رودخانه ای،
دریایی و خاکی
تقسیم می شوند.

غذای مورد علاقه
لاکپشت جوانه های
گیاه کاهو است.

لاکپشت ها

بسیار اجتماعی هستند
و بطور دسته جمعی یا
جفت جفت زندگی
می کنند.

در دین اسلام گوشت
لاکپشت حرام است اما برخی
از غیر مسلمان ها لاکپشت ها را
می خورند!!

آیا می دانید...



۱) آن چیست که در
هوا می‌پرد، ولی دم، بال و پا
ندارد؟

۲) چه راهی برای دو برابر کردن پول هست؟

۳) در یک خانه‌ی یک طبقه‌ی صورتی، یک آدم صورتی،
یک گربه‌ی صورتی، یک ماهی صورتی، یک کامپیوتر
صورتی، یک صندلی صورتی، یک میز صورتی، یک تلفن
صورتی، یک دوش صورتی وجود دارد. همه‌چیز صورتی
است! پله‌ها چه رنگی است؟

۴) یک کیلوگرم پَر سنگین‌تر است
یا یک کیلوگرم آجر؟

پاسخ:

- ۱- بادکنک؛
- ۲- پول را جلوی
آینه بگذاری؛
- ۳- پله وجود
ندارد. خانه یک
طبقه است؛
- ۴- هیچ کدام؛
هر دو یک کیلو
گرم هستند؛

زبان قرآن را بیاموزیم



يَقْطِين: كدو



قِثَاء: خیار



تین: انجیر



رُطَب: انجیر



طَلْح: موز



زیتون: زیتون

نماز اتوبوسی!

وقت اذن شده بود. زهرا کوچولو و پدرش توی اتوبوس بودند. اتوبوس با سرعت به سمت شهر قم در حال حرکت بود اما ظاهراً راننده تصمیمی برای توقف اتوبوس و خوندن نماز اول وقت نداشت!

زهرا کوچولو به پدرش گفت: بابا جون، چرا راننده نگه نمی داره تا همه نماز اول وقت بخونیم؟

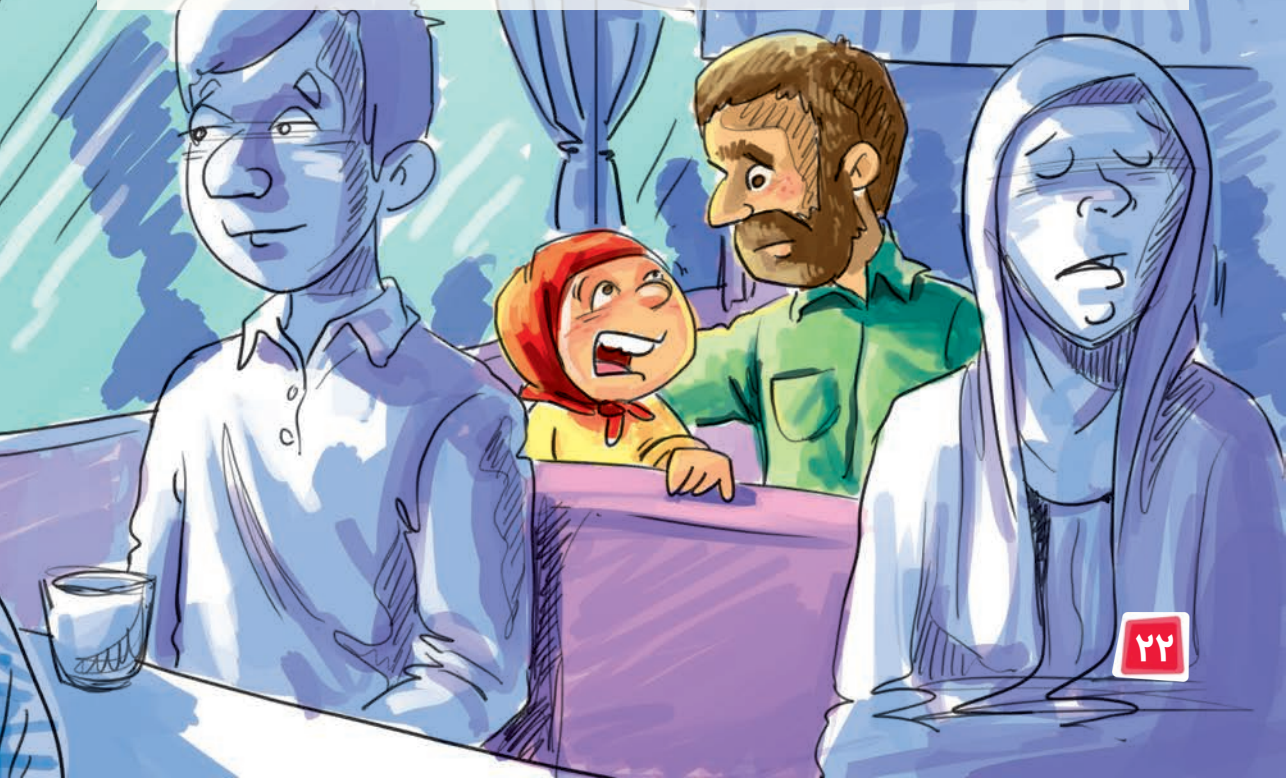
پدر زهرا گفت: نمی دونم. شاید می خواد به یک جایی برسه که سرویس بهداشتی داشته باشه تا همه بتونن دستشویی برن و وضو بگیرن!

زهرا کوچولو و پدرش کمی صبر کردند اما دیدند آقای راننده قصد توقف اتوبوس رو نداره، برای همین پدر زهرا به آقای راننده گفت: آقا، وقت اذان گذشته. لطفاً نگه دارید تا مسافرها نماز بخونن اما آقای راننده گفت دم غروب نگه می دارم!

پدر زهرا گفت: اما اون موقع از نماز اول وقت خیلی گذشته و شاید نماز قضا بشه!

اما آقای راننده گوشش به این حرف ها بدهکار نبود.

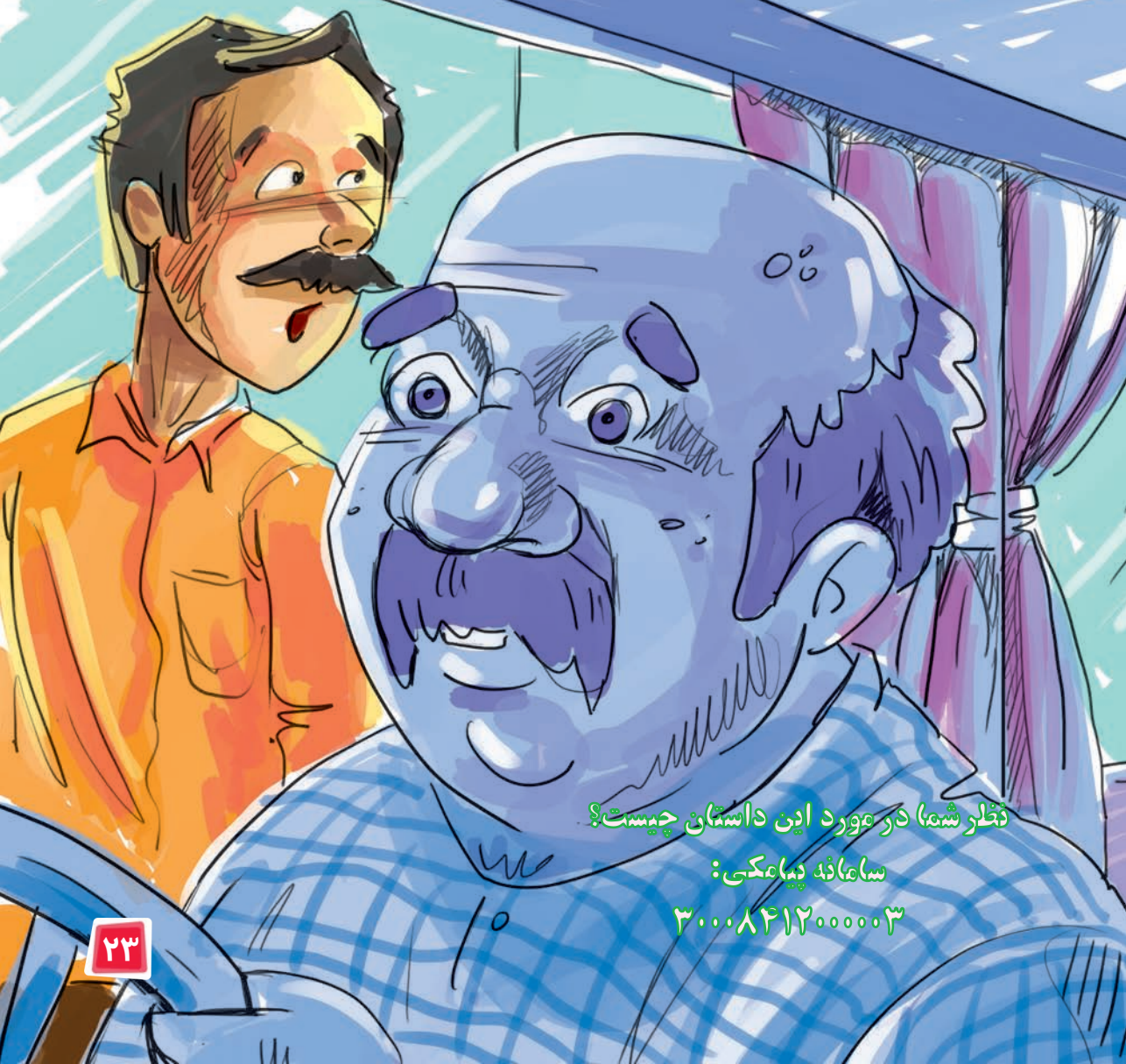
زهرا کوچولو که دلش می خواست نماز اول وقت بخونه، یک بطری آب



برداشت و توی اتوبوس با نصف لیوان آب وضو گرفت و وسط سالن اتوبوس ایستاد تا نمازشو بخونه!

آقای راننده وقتی دید زهرا کوچولو چقدر برای نماز اول وقت ارزش قائل هست، شرمنده شد و گفت: الان نگه می دارم تا نماز بخونیم.

زهرا کوچولو با کار خوب خودش به آقای راننده و همه مسافرها درس بزرگی داد.



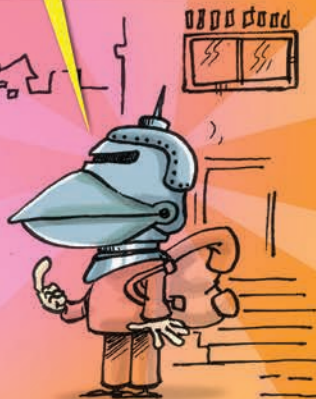
نظر شما در مورد این داستان چیست؟

سماذنه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

الکی خرید نکنید. چه

ارزون می‌داد، پنجاه تا
خیلی هم به در
توش آبدوغ خیار



جوراب سوراخ، سی

هجوم برای خرید ک
به هم می‌زنه و این وسط، خ

بقیه‌ت کوش پس؟؟؟



موقع خرید و فروش،
گول شایعات فضای مجازی رو نخورید...

بردم سر کوچه
فروختم شون،
جاش سیرابی خریدم
قراره گرون شه!!

او!! طلاهام کو؟؟؟

1



زیاده‌روی توی خرید، باعث می‌شه که
جنس‌های بازار گرون و گرون‌تر بشن...

دیدید گفتم مامان؟!
اخبار اعلام کرد سیرابی گرون شد.
داریم ثروتمند می‌شیم!!

۶



بیز به درد بخور بخرید...

از اینا خریدیم!
دب خوره!!
س ز نیم شبا!

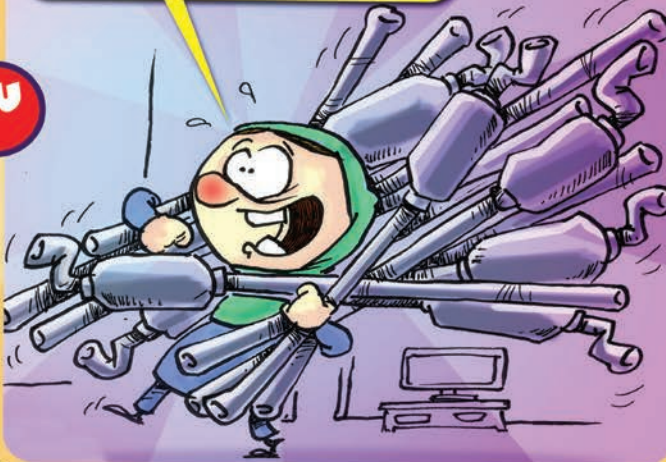
۲



قبل از خرید کردن، عقل تون رو به کار بندازید...

مامان!! اگروز خریدم!!
بذارین تو جهیزیه!

۳



برای خریداریم!

طنز

توی معامله با برادر و خواهر کوچکتر
انصاف داشته باشید...

عید یامو دادم به داداشی،
عوضش جوراب سوراخ
رو فروخت بهم!
قراره جوراب سوراخ
گرون بشه، پولدار شم!!

۴



کردن، تعادل بازار رو
بود مشتری ضرر می کنه...

کلیه هامو دادم
گلایه خریدم!!
گرون که شد،
می فروشیم
پولدار می شیم!!

۲۵

دست‌یاری

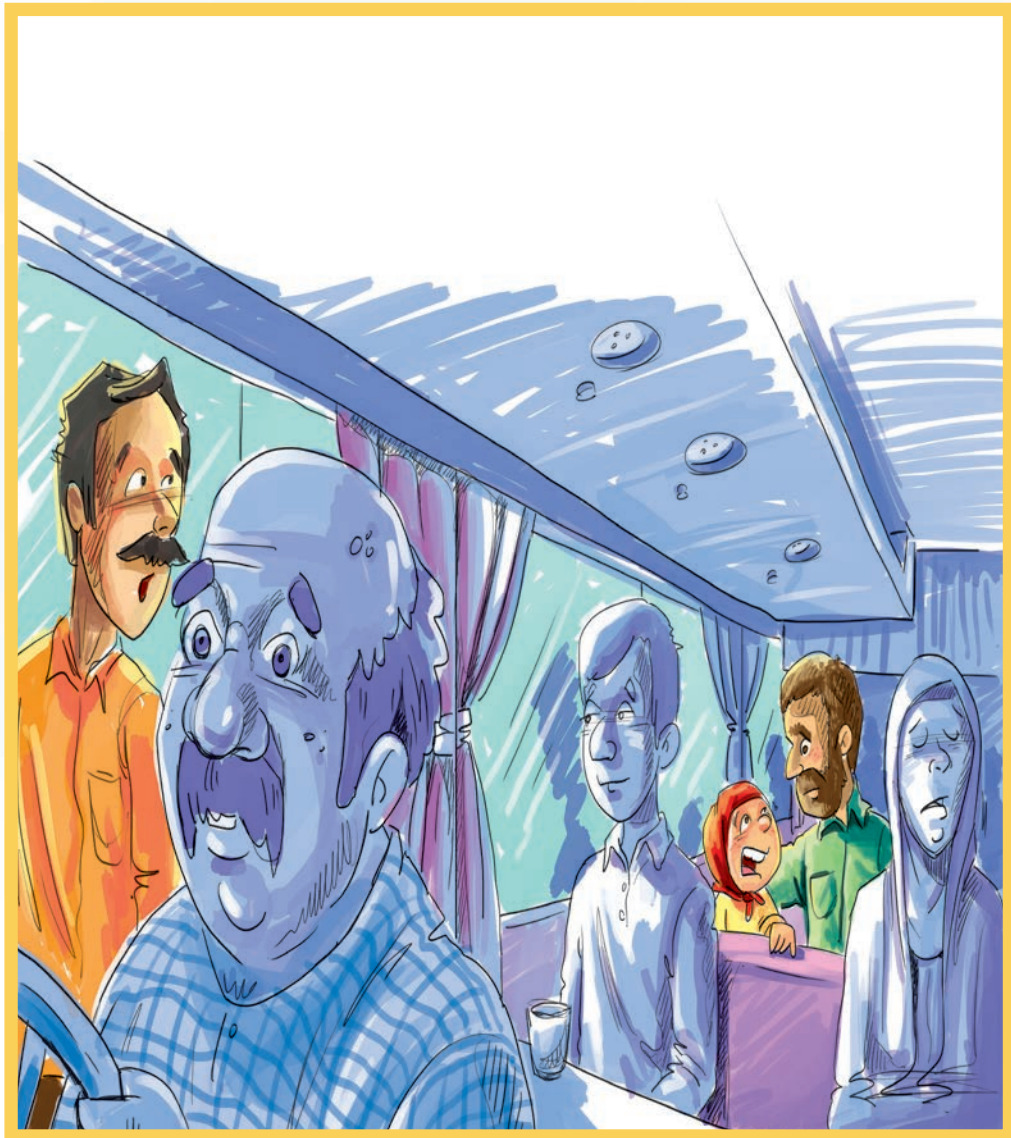
همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن.



مجلس | ۱۳۸۱/۰۹/۱۵
رهبرانقلاب







نشریه بچه‌های مسجد، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است
که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین
بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.
شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را
به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳ ارسال نمایید.